Review article (Narrative Review)

Legal and Moral Dimensions of the Crimes of Disrupting the Monetary System in Iranian Law

G. Mirzaeinezhad[1], A. Esmaeili Ph.D.[*2], H. Miri Ph.D.[2]

1. *Ph.D. Student, Dept. of Law, Gorgan branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.*
2. *Dept. of Law, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.*

Abstract

Background: Monetary crimes are those crimes against the integrity of public and government property that cause disruptions in the country's economic and monetary system at the macro level and cause citizens to lose trust in banks and credit institutions and create conditions for the collapse of the economic system. Monetary crimes are inherently controversial as a moral corruption, but the conceptual and consequential reading of this phenomenon reveals it as an immoral act that affects other areas of morality in society. Therefore, the present study was conducted with the aim of investigating the moral-legal aspects of the crimes of disrupting the monetary system in Iranian law.

Conclusion: The necessity of reforming the economic structure in order to prevent the occurrence of monetary crimes should be considered in the economic policies of those in charge of criminal policy. Also, due to the lack of deterrence of some laws in monetary crimes, paying attention to and observing moral principles makes the criminal, by weighing the benefits and losses and the moral consequences of committing the crime, not to have the desire to commit the crime; Although the use of financial punishments, proportional to the financial gains of that crime, can be considered a suitable option; But it will lead to results such as confusion in the money market, increase in liquidity and inflation, bankruptcy, jeopardizing the security of people's deposits, waste and confiscation of deposits, and ultimately disruption in the country's economic system. Therefore, in the discussion of symmetry and compliance between law and morality, it is always necessary to fill the gap between the two by a relative distance in public and private.

Keywords: *Ethics, Law, Economic Crimes, Disruption of Monetary System*

***Corresponding Author**: A. Esmaeili, Dept. of Law, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran. Email: a.esmaeili.dr@gmail.com

How to cite: G. Mirzaeinezhad, A. Esmaeili, H. Miri. Legal and Moral Dimensions of the Crimes of Disrupting the Monetary System in Iranian Law. Ethics in Science and Technology. 2024,19(2): 33-40.

Vol. 19, No. 2, 2024

Copyright © 2024 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

ابعاد حقوقی و اخلاقی جرایم اخلال‌گران نظام پولی در حقوق ایران

غلامرضا میرزایی نژاد[۱]، دکتر علی اکبر اسمعیلی[۲*]، دکتر حسین میری[۲]
۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.
۲. گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۹)

چکیده

زمینه: جرایم پولی به آن دسته از جرایم علیه تمامیت اموال عمومی و دولتی گفته می‌شود که باعث ایجاد اختلال در نظام اقتصادی و پولی کشور در سطح کلان می‌گردد و موجب سلب اعتماد شهروندان به بانک‌ها و موسسات اعتباری شده و شرایط فروپاشی نظام اقتصادی را پدید می‌آورند. جرایم پولی به ذاته به عنوان مفسده‌ای اخلاقی محل بحث و مناقشه است، لیکن بازخوانی مفهومی و پیامدشناختی این پدیده، آن را به مثابه عملی غیراخلاقی که دیگر ساحت های اخلاق را نیز در جامعه متاثر می سازد، نمایان می کند. از این رو مطالعه حاضر باهدف بررسی ابعاد اخلاقی–حقوقی جرایم اخلال‌گران نظام پولی در حقوق ایران انجام شد.

نتیجه‌گیری: ضرورت اصلاح ساختار اقتصادی در جهت پیشگیری از وقوع جرائم پولی، باید در سیاستگذاری‌های اقتصادی متولیان سیاست کیفری مدنظر قرار گیرد. همچنین، با توجه به عدم بازدارندگی بعضی قوانین در جرایم پولی، توجه و رعایت اصول اخلاقی موجب می شود تا فرد بزه‌کار، با سنجش سود و زیان و نتایج اخلاقی حاصل از ارتکاب جرم، تمایل به ارتکاب جرم نداشته باشد؛ گرچه استفاده از مجازات‌های مالی، متناسب با عواید مالی آن جرم، می‌تواند گزینه‌ای مناسب قلمداد گردد؛ ولی نتایجی همچون آشفتگی بازار پول، افزایش نقدینگی و تورم، ورشکستگی، به خطر افتادن امنیت سپرده‌های مردمی، اتلاف و به یغما رفتن سپرده‌ها و در نهایت اخلال در نظام اقتصادی کشور را در پی خواهد داشت. لذا در بحث تقارن و رعایت میان حقوق و اخلاق، همواره لازم است یک قرابت و فاصله‌ای نسبی بصورت عمومی و خصوصی، فاصله میان این دو را پر کند.

کلیدواژگان: اخلاق، حقوق، جرایم اقتصادی، اختلال گران نظام پولی

سرآغاز

نقش اقتصاد[۱] در زندگی افراد جامعه، غیرقابل انکار است؛ به نحوی که به نقل از معصومین، نابسامانی در حوزه اقتصاد نه تنها باعث اخلال در حوزه‌های دیگر زندگی می‌شود، بلکه دین و معاد انسان را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. فساد اقتصادی به متمرکزکردن ثروت‌ها گرایش دارد و نه فقط افزایش شکاف میان غنی و فقیر؛ که برای مرفه‌هان، ابزارهای نامشروع حفاظت از موقعیت و منافعشان را تأمین می‌کند(۱).

جرایم پولی[۲]، عملی خلاف و غیرقانونی بوده و دارای تبعات منفی بسیاری بر نظم و اقتصاد کشور می‌باشد. به‌همین دلیل مبارزه با این نوع جرایم مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته است و برخی کشورها نیز برای نیل به این مقصود اقدام به تصویب قوانین و مقررات ویژه‌ای نموده‌اند(۲).

برخورد قضایی قاطع با مجرمین اولین و مهم‌ترین راهکار این بخش است که دستگاه قضا باید با قاطعیت آن را دنبال کند. در زمینه بازنگری در قوانین کیفری [۳]در ارتباط با برخورد قانونی با جرایم مفاسد اقتصادی[۴] به نظر می‌رسد کمبود قانون جزایی نقش اساسی ندارد، بلکه با قوانین جزایی موجود هم امکان برخورد قضایی فراهم است(۳). عملکرد قوه قضاییه می‌بایست به نوعی انعکاس یابد تا در جامعه، متهم به سیاسی‌کاری و جناحی عمل‌کردن نشود، چراکه در این صورت اعتماد عمومی نسبت به نهاد قضاوت در کشور حالت منفی به خود خواهد گرفت(۴). با توجه به مطالب بالا و به رغم اختلاف نظر محققان در مورد جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای جرایم مالی و با توجه به آثار زیان‌باری که این پدیده برجنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به‌جای می‌گذارد، تردیدی در لزوم راهکارهای حقوقی پیشگیری از جرایم پولی برای این پدیده باقی نمی‌ماند.

نویسندهٔ مسئول: نشانی الکترونیکی : a.esmaeili.dr@gmail.com

اما در کنار راهکار حقوقی، راهکار فرهنگی – اخلاقی از اهمیت بالایی برخوردار است. در زمینه اقتصاد باید گفت حوزه تاثیرگذاری اخلاق[5] بسیار وسیع است و از یک تاجر جزء تا یک شرکت عظیم تجاری چند ملیتی، همه تابع یک سلسله قواعد اخلاقی هستند. این قواعد همه جانبه، حسن کارکرد، پیشگیری از بی نظمی و فعالیت اقتصادی – تجاری سالم و صحیح را در جامعه تضمین می کنند. عینی ترین حضور اخلاق در دنیای بازرگانی، همان مجموعه قواعد رفتاری با کدهای اخلاقی[6] است(۵).لذا در این پژوهش بعد از ارائه مشخصات جرایم اقتصادی-پولی از منظر حقوق کیفری، سیاست کیفری ناظر بر جرایم را با رویکرد نظام اقتصادی ایران، میزان ناکارآمدی و بازدارندگی قوانین کیفری در جرایم اقتصادی- پولی مورد بحث قرار گرفته و به طور موازی به بررسی اخلاقی جرائم اقتصادی پرداخته شده است.

بحث

جرایم اقتصادی-پولی

در تفکر جامعه‌شناختی، جرم از مهم‌ترین مراتب به‌شمار می‌رود، که با توجه به تفاوت خرده‌فرهنگ‌های جوامع امروزی جرایم شکل می‌گیرد. سرقت و دزدی، جرایمی هستند که به طور طبیعی توسط بخش فقیر جامعه انجام می‌شود؛ این درحالی است که جرایمی همچون اختلاس یا فرار مالیاتی توسط اشخاصی رخ می‌دهد که از لحاظ موقعیت مالی تمکن بالاتری دارند.

جرایم اقتصادی-پولی به آن دسته از جرایم اطلاق می‌گردد که با انگیزه مادی و با ماهیت فعالیت‌های اقتصادی همچون فعالیت‌های مالی و پولی، داد و ستد داخلی و خارجی، استفاده از منابع بدون مجوز، رشوه‌ستانی، کمیسیون‌گیری، اعطای تسهیلات غیرقانونی[7] به نفع خود یا دیگران صورت می‌گیرد(۶). جرایم با ماهیت اقتصادی و پولی در بین جرایم مختلف، یکی از چالش‌های جوامع در جهان کنونی است. توسعه فناوری‌های نوین از قبیل فناوری اطلاعات، شرایط و گستره جرایم اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است. بروز و ظهور جرایم و مفاسد اقتصادی-پولی در جوامع، از مظاهر بدیهی نقش کارکنان دولت و دست‌اندرکاران حکومتی در این زمینه است و این موضوع به‌ویژه در کشورهایی که دارای اقتصاد رانتی هستند، دارای ابعاد و مظاهر آشکارتری هست (۶).

به طور معمول، جرایم اقتصادی-پولی در بستر یک بنگاه اقتصادی، شرکت یا موسسه رخ می‌دهد. در نظام اقتصادی، سیاست کیفری، هم در برگیرنده حقوق کیفری تجاری و هم فراتر از آن است. در واقع، سیاست کیفری در نظام اقتصادی، عهده‌دار دو رسالت عمده هستند:

۱- حمایت از منافع خصوصی[8] افراد؛

۲- مدیریت اداره اقتصاد کشور (تضمین منافع جمعی[9] و منافع دولت).

اگر این دو رسالت را از یکدیگر تفکیک شوند، حقوق کیفری تجاری تضمین‌کننده منافع خصوصی تجار و شرکت‌ها خواهد بود؛ این درحالی است‌که سیاست کیفری در نظام اقتصادی فراتر از منافع یک عده خاص را تأمین می‌کند و در بیش‌تر کشورهای دنیا عنوان مستقلی برای جرایم اقتصادی-پولی وجود ندارد. در ایران نیز در مورد جرایم اقتصادی-پولی یک تعریف جامع در تعریف و مصادیق آن وجود ندارد و با این و صف، در حقوق داخلی هیچ‌گونه تعریفی از این نوع جرایم وجود ندارد، ولی به نظر می‌رسد که برای تحقق جرایم اقتصادی وجود ۲ عامل زیر ضروری است: (۷) :

۱. وجود ساختارها و مبناهای اقتصادی سالم: جرم اقتصادی-پولی در یک بستر سالم و در قالب قرارداد و روابط اقتصادی و با همکاری نهادهای دولتی یا به‌صورت مستقل صورت می‌گیرد. در سازمان‌های مافیایی که به‌طور ذاتی مجرمانه‌اند، جرم اقتصادی نداریم.

۲. جرم اقتصادی-پولی با نوعی فرصت‌طلبی مجرمانه ملازمه دارد: این فرصت‌طلبی ارتباط تنگاتنگی با درجه هوش و صلاحیت حرفه‌ای و شغلی مرتکبان و میزان اعتماد افراد به آن‌ها دارد. این بزهکاران برای جامعه خطرناک‌ترند، چون هم جامعه‌پذیرندرو هم از سازگاری اجتماعی بالایی برخوردارند. اصولاً در جرایم اقتصادی مرتکبان به‌دنبال کسب سود و پول هنگفت هستند.

سیاست کیفری ناظر بر نظام پولی در حقوق ایران

سیاست کیفری[10] ناظر بر نظام پولی کشور، مجموعه‌ای از اقداماتی است که نظام کیفری از طریق قوه قضاییه و بکار بستن قوانین جزایی در نظام پولی کشور بدان می‌پردازد و تنها برخوردی حقوقی با پدیده جنایی دارد و ابزار آن مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی است و شامل اقداماتی قضایی[11] است که مربوط به مرحله پیش از محاکمه، مرحله محاکمه، مرحله رسیدگی و درنهایت مرحله اجرا، یعنی به‌طورکلی پس از ارتکاب جرم است. سیاست‌گذاری‌های ناظر بر نظام پولی و بانکی کشور عمدتاً با تصویب قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور انجام می‌پذیرد.

قانون برنامه ششم توسعه هم در چارچوب بندهای ۶ و ۹ سیاست‌های کلی برنامه مبنی بر «تأمین مالی فعالیت‌های خرد و متوسط به وسیله نظام بانکی» و «اعمال نظارتکامل و فراگیر بانک مرکزی بر بازار و موسسات پولی، بانکی و اعتباری و سامان‌دهی موسسات و بازارهای پولی و مالی در جهت ارتقای شفافیت و سلامت و کاهش نسبت مطالبات غیرتجاری به تسهیلات»، در بخش «نظام پولی و بانکی و تأمین منابع مالی»، تکالیف و برنامه‌هایی را در جهت نیل به اهداف و سیاست‌های یادشده برای نظام بانکی کشور مقرر کرده است(۸) .

با رویکرد تحقق سیاست‌های کلی برنامه به اعطای اختیارات بیشتر به بانک مرکزی برای اتخاذ اقدام‌های نظارتی و انتظامی علاوه بر اختیارات قانونی مندرج در قانون پولی و بانکی کشور، ازجمله اعمال محدودیت یا ممنوعیت توزیع سود و اندوخته‌ها بین سهامداران مؤثر بانک‌ها و سلب حق رأی از آن‌ها، اعمال محدودیت یا ممنوعیت پرداخت پاداش و مزایای مدیران بانک‌ها و سلب صلاحیت حرفه‌ای[12] مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره بانک‌ها تأکید شده است. علاوه

بر این، هر گونه تبلیغ برای ارائه خدمات پولی و بانکی بدون رعایت ضوابط مربوط مستوجب جریمه نقدی دانسته شده است(۸).

اهمیت جرایم اقتصادی، قانونگذار ایرانی را در چندین مورد نسبت به جرم‌انگاری مسائل حوزه اقتصادی ترغیب نموده است؛ تا بدین طریق بتواند اقتصاد جامعه را در قبال جرایم اقتصادی نجات دهد. از جمله این قوانین می‌توان به قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس (مصوب ۶۹/۱/۲۹)، قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان؛ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری (مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵)؛ قانون مجازات اخلال‌گران اقتصادی[۱۳] (مصوب ۱۳۶۹/۹/۲۸) و نیز قوانین مجازات ۱۳۶۱، ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲ اشاره نمود.

در این قوانین اقدام به جرم‌انگاری جرایم اقتصادی-مالی شده است و با توجه به اهمیت جرایم، مجازات‌های درخور پیش‌بینی گردیده است. یکی از قوانینی که لازم است درخصوص آن به بحث بنشینیم قانون مجازات اخلالگرن اقتصادی مصوب ۱۳۶۹/۹/۲۸ است. علت بررسی این قانون به‌خصوص، ارتباط آن با قانون مجازات جدید است و وجه مشابهت آن دو در این نکته است که هر دوی این قوانین از اخلال در نظام اقتصادی سخن کرده‌اند.

قوانین و مقررات ناظر بر پیشگیری از فساد مالی

قانون بایستی به لحاظ عملی صریح، ساده و بدون ابهام وضع شود تا کارگذاران و مجریان به‌راحتی بتوانند آن را اجرا نمایند در عین حال قانون باید قابل اجرا باشد، اگر قانون به گونه‌ای وضع شود که مقبولیت و امکان اجرا در آن لحاظ نشود در این صورت وضع آن به منزله دعوت عمومی برای نقض آن است. قانونگذار علیه جرایم اقتصادی باید به گونه‌ای منجز و رسا باشد که اختیارات گزینشی در آن نباشد. بانک جهانی در کشورهایی که اختیارات گزینشی زمینه سوء استفاده را فراهم می‌کند، پیشنهاد داده است تا پارلمان قوانینی وضع کند ساده و قابل فهم بوده و برای قابلیت اجرا بحثی باقی نگذارد و جایی برای تفسیر نباشد. اما ملاحظه می‌شود این توصیه در مورد قوانین مرتبط با جرایم اقتصادی در ایران چندان صادق نیست. پیش‌تر ایرادات ناشی از عدم صراحت قانون و ابهام در عبارات آن را در قوانین مختلف مانند قانون مبارزه با اخلالگران نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، قانون مجازات اسلامی و قوانین پراکنده دیگر مشاهده می‌شود(۹). بر این اساس قوانین حاکم بر جرایم اقتصادی- پولی وضع شده را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف- قانون مجازات اسلامی

قانون مذکور، قانون عام وکلی حاکم بر جرائم و مجازات‌ها بوده که در طی مواد متعددی مجازات‌هایی را برای مجرمین مالی و غیر مالی پیش‌بینی نموده است. در مقررات جزائی ایران، بدواً در قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری برای پرداخت‌کننده رشوه تعیین مجازات نشده بود، اما با تصویب بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵، قانونگذار در ماده ۵۹۲ این قانون مجازات حبس از شش ماه تا دو سال را و یا تا ۷۴ ضربه شلاق را برای مرتکب این جرم تعیین نمود؛ اما در راستای تشویق و ارغیب راشی به اعلم پرداخت رشوه راشی مضط یا گزارش‌دهنده پرداخت را از مجازات معاف نمود (۹). علاوه بر آن، در فصل یازدهم قانون مذکور برای جرایمی نظیر ارتشاء، ربا و کلاهبرداری به عنوان جرایم مهم مالی، مجازات‌هایی سنگین پیش‌بینی گردیده است. در ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی که یکی از بهترین مواد قانون مذکور می‌باشد، استفاده غیر مجاز از وجوه و اموال عمومی و دولتی و اهمال و تفریطی که موجب تضییع بیت‌المال شود، مستلزم مجازات گردیده است(۱۰). در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵، جعل هرگونه اسکناس رایج داخلی یا خارجی، سناد بانکی یا اوراق بهادار صادره از بانک‌ها و خزانه، در صورتی که به قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی و یا اقتصادی باشد و نیز ورود اسناد مجعول فوق به کشور با علم به مجعول بودن آن‌ها، در حالت عادی مستوجب مجازات سنگین می‌گردد.

ب- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۵ آذر ۱۳۶۷

در این قانون نیز قانون‌گزار مجازات‌هایی را برای اشخاصی که مرتکب اعمال مجرمانه مذکور می‌شوند، پیش‌بینی نموده و حتی در ماده ۴ قانون اخیرالذکر مقرر گردیده در صورتی که عمل افراد مذکور به صورت شبکه‌ای باشد و مصداق افساد فی‌الارض را داشته باشد، مرتکب به اعدام محکوم می‌شود.

ج- قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۴۸/۳/۱۹

در این قانون مقرر گردیده اشخاصی که در معاملات یامناقصه‌ها و مزایده‌های دولتی یا ... با یکدیگر تبانی کنند و در نتیجه ضرری متوجه دولت و یا شرکت‌ها وموسسات دولتی و ... بشود به حبس از یک تا سه سال جزای نقدی به میزان آنچه من غیر حق تحصیل نموده‌اند، محکوم می‌شوند و در صورتی که نامبردگان مستخدم دولت باشند، به حداکثر مجازات حبس و انفصال ابد از خدمات دولتی ... محکوم می‌شوند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، قانون‌گزار در قانون مورد اشاره، جرم مهم وسنگین «تبانی» را پیش‌بینی نموده تا از طریق آن کسانی را که به صورت همکاری و همفکری بر علیه مصالح و منافع مالی کشور اقدام می‌نمایند و در نتیجه تبانی نامشروع آن‌ها بیت‌المال ضایع می‌شود، مورد مجازت و تنبیه قرار دهد.

د- قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۲۸

ماده یک قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر داشته: «ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب می‌شود و مرتکب

به مجازات‌های مقرر در این قانون محکوم می‌شود» و در بند الف به عنوان اولین مصداق اعمال مجرمانه موصوف «اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن» جرم‌انگاری گردیده است(۱۱). در این قانون نیز مقتن اخلال در نظام پولی و ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز، ضرب سکه یا جعل اسکناس و ... و اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی و اخلال در نظام تولیدی کشور یا اقدام به خارج‌نمودن میراث فرهنگی و ... را با مجازات‌های سنگین که از ۵ سال حبس شروع و تا اعدام را شامل می‌شود، ممنوع نموده است. بررسی جرائم مذکور حکایت از آن دارد مقنن بر آن بوده تا کسانی‌که به هر نحوی قصد دارند نظام و سیستم اقتصادی کشور را به قصد تکاثر ثروت شخصی یا با هدف کمک به بیگانگان و مخالفان نظام با چالش و فروپاشی مواجه نمایند، از قصد شومشان بازداشته و آن‌ها را به مجازات سنگین محکوم نماید. همچنین این قانون، با بیان مصادیق اخلال در نظام اقتصادی، رسیدگی به آن‌ها را در صلاحیت دادگاهی اختصاصی قرار داده است، این دادگاه مکلف است فوراً و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی کند. مطابق تبصره‌ی ۵ ماده‌ی ۲ این قانون، هیچ یک از مجازات‌های مقرر در این قانون قابل تعلیق، تخفیف و یا تعطیل نمی‌باشد. از جمله دلایل شدت عمل قانون‌گذار در این قانون، شرایط حاکم بر اقتصاد کشور پس از دوران جنگ، تحریم‌ها و دولتی‌بودن اقتصاد ایران است (۱۱).

ر- قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵

ماده دو قانون مبارزه با پول‌شویی[۱۴] کشور مصوب ۱۳۹۷/۱۰/۱۵ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر داشته: «پول‌شویی عبارت است از تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از ارتکاب جرائم با علم به منشأ مجرمانه آن». در تبصره‌ی یک کاده ۷ مکرر این قانون بیان می‌دارد: «توقیف و جلوگیری از نقل و انتقال وجوه یا اموال مشکوک به جرایم پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم و یا انجام هرگونه تحقیقات، منوط به اخذ مجوز از مرجع قضایی ذی‌صلاح است؛ مگر در موارد فوری که به مقام قضایی دسترسی نیست که در این صورت مرکز اطلاعات مالی می‌تواند دستور توقیف و جلوگیری از انتقال وجوه و اموال مشکوک را حداکثر تا بیست و چهار ساعت صادر و بلافاصله پس از حصول دسترسی، مراتب را به مقام قضایی گزارش و مطابق دستور وی عمل کند. همچنین در ماده ۹ این قانون آمده است: «اصل مال و درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم منشأ و جرم پول‌شویی (و اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آن) مرتکبین جرم پول‌شویی مصادره می‌شود و همچنین چنانچه جمع اموال، درآمد و عواید مذکور تا ده میلیارد ریال باشد به حبس تعزیری درجه پنج و ارقام بیشتر از آن به حبس تعزیری درجه چهار در هر دو مورد علاوه بر مجازات قبل به جزای نقدی معادل وجوه یا ارزش مالی که مورد پول‌شویی واقع گردیده محکوم می‌شوند.

ز- قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم

این قانون با آخرین اصلاحات و الحاقات بر اساس قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم[۱۵] مصوب ۱۳۹۷/۵/۱۰ به تأیید شورای نگهبان رسید. در ماده یک این قانون مقرر داشته: « تهیه یا جمع‌آوری وجوه یا اموال به هر طریق چه دارای منشأ قانونی باشد یا نباشد و یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز، جلب کمک‌های مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیرمستقیم حساب یا تأمین اعتبار یا انجام هرگونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری برای انجام اعمال زیر یا جهت ارائه به افراد تروریست یا سازمان‌های تروریستی، تأمین مالی تروریسم است و جرم محسوب می‌شود. در تبصره ۱ ماده یک بیان می‌دارد «هر شخصی که وجوه یا اموالی را با اهداف مذکور در صدر این ماده تهیه یا جمع‌آوری نماید و قبل از مصرف یا استفاده یا ارائه به افراد یا سازمان‌های تروریستی به واسطه عامل خارج از اراده وی قصدش معلق بماند، نیز تأمین‌کننده مالی تروریسم محسوب می‌شود. در تبصره ۲ و ۳ نیز مرتکبین این جرم مشمول مجازات‌های سنگین می‌شوند. در تبصره ۲ بیان می‌دارد: «هرگاه شخصی قصد ارتکاب جرم موضوع این ماده را داشته باشد و شروع به اجرای آن نماید لیکن به واسطه عامل خارج از اراده وی قصدش معلق بماند، مشمول ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ می‌شود، همچنین تبصره ۳ همین ماده بیان می‌دارد: «برای تعقیب تأمین‌کننده مالی اقدامات تروریستی علیه افراد حقیقی و حقوقی صرف نظر از محل ارتکاب جرم، تابعیت و محل اقامت مجرم مفاد این قانون اجراء خواهد شد. در مواردی که بین دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها توافقنامه معاضدت قضائی و یا هر توافقنامه دیگری در زمینه مبارزه با تأمین مالی تروریسم با رعایت اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود داشته باشد، همکاری طبق شرایط مندرج در توافقنامه صورت خواهد گرفت. در غیر این‌صورت، همکاری‌های قضائی و سایر امور مربوط به مبارزه با تأمین مالی تروریسم بر اساس عمل متقابل صورت می‌گیرد.

اخلاق و نظام اقتصادی

قبل از درک رابطه بین اقتصاد و اخلاق تعریفی هر چند مختصر برای شناخت اشتراکات این دو حوزه ضروری است. علم اقتصاد مطالعه کنش و انتخاب‌های انسانی در بازار است. اما اخلاق چیست؟ اخلاق نیز عبارت است از کنش‌های انسانی، تصمیم‌گیری او و در نهایت انتخاب نهایی. بسیاری از تصمیمات اخلاقی که انسان‌ها روزانه اتخاذ می‌کنند، در حقیقت تصمیماتی اقتصادی هستند. یا از سوی دیگر، کیفیت تصمیمات بشری که درست یا غلط هستند، شکل‌دهنده زندگی اقتصادی انسان‌ها است. این موضوع نشان می‌دهد که بحث اخلاق و اقتصاد بیشتر از آنچه که تصور می‌شود، درهم تنیده شده است و این دو شاخه از علوم‌انسانی به راحتی قابل تفکیک نیستند. اما موضوعی که باید در نظر گرفت این است که در هم تنیده بودن این دو موضوع به معنای قابلیت جایگزینی

آنها با یکدیگر نیست(۱۲). آگاهی به رابطه موجود بین اقتصاد و اخلاق به معنای فرموله کردن اقتصاد در فرم‌های اخلاقی نیست. اقتصاد علاوه بر اشتراکاتی که با حوزه اخلاق دارد، مکانیزم‌های خاص خود مانند عرضه و تقاضا و مانند علوم دیگر قوانین مخصوص به خود را نیز دارا است. تذکر این نکته ضروری است که این اختلافات به این معنی نیست که هیچ ارتباطی بین این دو حوزه وجود ندارد. برای روشن‌تر کردن حد اشتراک و عدم اشتراک این دو حوزه باید دانست اخلاق، اقتصاد و بازارها موضوعاتی هستند که بیشتر در حوزه شخصی در ارتباط هستند. ارتباط دادن اخلاق و اقتصاد در حوزه عمومی در طول تاریخ موجب سوءتفاهماتی بزرگ، در طول تاریخ شده است(۱۳).

اخلاق و سیاست کیفری

ارتباط حقوق و اخلاق و نقش اخلاق در تغییر قواعد حقوقی همواره جزء مهم ترین دغدغه های فلاسفه ی حقوق و همچنین فلاسفه ی اخلاق بوده است. برخی به شدت تلاش کرده اند تا علم حقوق را از سایر ترکیبات نظیر اخلاق مبرا سازند (۱۴). و از طرفی برخی نیز به منظور در نظر گرفتن حداکثری قواعد اخلاقی در حقوق گام برداشته‌اند. شعاع کارکرد قواعد حقوقی، برخلاف قواعد اخلاقی که گستردگی خاص خود را دارد؛ محدود به پیوندهای اجتماعی و تعاملات خارجی آنهاست. هدف و قلمرو قواعد حقوقی ایجاب می کند تا به وسیله ی نظامی مدون ضمانت اجرای مادی و اجتماعی را برای آن در نظر بگیریم. هر چند با اغماض بتوان یکی از اهداف عالی اخلاقیات را نیز همانند حقوق تنظیم روابط و تعاملات اجتماعی دانست اما بی شک قلمرو وسیع تر قواعد اخلاقی را نمی توان تماماً به عنوان الزامات قانونی پذیرفت. در حال حاضر در هیچ یک از نظام های حقوقی دنیا دایره ی رفتارها ی اخلاقی با قوانین یکی نیست، به طور مثال در هیچ یک از قوانین موضوعی ایران کمک نکردن به مستمندان و از پا درافتادگان جرم به حساب نیامده است. از طرفی ضمانت اجرای قواعد اخلاقی در منظر شرع، نه کیفرهای ملموس که اغلب باورهای غیب اندیشانه به عقاب یا پاداش روز واپسین است همچنان که وجدان، محکمه ای برای بازخواست آدمی به شمار می رود. با این همه هیچ متفکری تفکیک کامل بین اخلاق و حقوق را ادعا نکرده است. از همه مهم تر همان طور که گفته شد همسو بودن برخی از اهداف حقوق و اخلاق؛ در قالب تنظیم عادلانه‌ی روابط انسانی و برقراری یک زندگی سعادتمندانه در دنیا، باعث تأثیر و تاثرات متقابلی است. رعایت قواعد اخلاقی موجب اصلاح نفس انسان شده و اخلاقیات فرد را برای تشکیل یک جامعه به دور از بی نظمی و ظلم تربیت می کند و این همان هدفی است که قواعد حقوقی نسبت به آن تدوین می شوند.

تأثیر اخلاقیات و شرعیات در قوانین و اعمال مجازات برای جرایم پولی

در واقع مهمترین دشواری کشف مبانی جرم‌انگاری رفتارها در حقوق ایران این است که محقق در بسیاری از موارد، به جای تفحص پیرامون اراده‌ی قانون‌گذار ایران، باید به جست‌وجوی مبانی مدنظر شارع مقدس بپردازد. مثلاً در حدود قصاص دیات و سایر مجازات‌های شرعی. «تعزیرات شرعی عبارت است از مجازاتی که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام یا ترک واجب بدون تعیین نوع و مقدار مجازات مقرر گردیده و ترتیب آن به شرح مندرج در قانون مجازات اسلامی می‌باشد.» در تعریف یاد شده، قانون‌گذار با توجه به وجود اصطلاح تعزیرات حکومتی در نظام حقوقی امروزی ایران، با افزودن قید شرعی به واژه‌ی تعزیرات تلاش کرده است تا این دو مفهوم را از یکدیگر تفکیک کند. به علاوه، قانون‌گذار در این ماده تعزیر را برای ارتکاب هر فعل حرام یا ترک هر واجبی قابل اعمال دانسته و بدین ترتیب خود را در پرتگاه خارج شدن از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها قرار داده است. هر چند می‌توان عبارت پایانی تبصره‌ی یادشده را به گونه‌ای تفسیر کرد که تعزیرات منحصر در موارد مصرح در قانون مجازات اسلامی شناخته شود. در واقع قانون‌گذار در تبصره‌ی یادشده، نه تنها به اصل قابل مجازات بودن رفتارهای حرامی که در قانون جرم‌انگاری شده‌اند، کم توجه بوده است بلکه تعزیر را در گسترده‌ترین معنای آن نیز در نظر گرفته و به قابل تعزیر بودن گناهان کبیره نیز اکتفا نکرده است. تعاریف یاد شده از تعزیر، از این نظر که کم و کیف کیفرها را نامعین گذاشته است، مغایر با اصل قانونی بودن مجازات‌ها نیز دانسته شده است(۱۵). مجازات‌های بازدارنده را در کنار مجازات‌های تعزیری قابل تخفیف دانسته است. طبق این ماده دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری یا باز دارنده را تخفیف دهد یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری کند که مناسب‌تر به حال متهم باشد. جهات مخففه عبارتند از: اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده است، از قبیل رفتار و گفتار تحریک‌آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم تصریح در مواد قانونی به این که وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم باعث تخفیف مجازات اوست نشان دهنده تأثیر رفتارها و نیات اخلاقی و غیر اخلاقی در تعیین محدوده مجازات‌ها است.

اصل شخصی کردن مجازات‌ها که به دخالت دادن ویژگی‌های شخصی مجرم در تعیین مجازات‌ها مربوط است در واقع ارتباط وثیقی با بحث رفتارها و نیات غیر اخلاقی دارد. هر چند بعضی حقوقدانان منکر عنصر روانی جرم هستند و به نوعی عناصر سه‌گانه تشکیل دهنده پدیده مجرمانه را به دو عنصر مادی و قانونی تقلیل می‌دهند و به مسئولیت کیفری مطلق نظیر جرایم مادی صرف معتقد هستند. ولی دیگر حقوقدانان اساساً حضور عنصر روانی در عملی کردن اصل شخصی کردن مجازات‌ها را دخیل می دانند. بی‌تردید بررسی عنصر روانی مجرم در تعیین مجازات‌هایی که حدود نامعینی دارند اهمیت دارد. هرچند تصلب قانونی حقوق کیفری در بسیاری از موارد دست محاکم را در صدور آرا در چارچوب معینی محدود می‌کند و آنها مکلفند براساس

مقررات و قواعد موجود و بدون توجه به حواشی شخصی به صدور رأی مبادرت کنند ولی در انواع خاصی از مجازات‌ها (همچون مجازات‌های تعزیری و بازدارنده در قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران) بی‌تردید می‌توان نقش نیات اخلاقی و غیر اخلاقی را در تشکیل عنصر روانی و برای اجرای اصل شخصی کردن مجازات‌ها در نظر گرفت(۱۶). از این گذشته آنچه تعیین حداقل یا حداکثر مجازات‌ها تخفیف یا تشدید آن، برای آنها قائل شده است به همین ترتیب گفتنی است که حساسیت‌های اخلاقی باعث شده تا گاهی مجازات‌ها نسبت به اقشار خاصی از قربانیان شدت یا بالعکس کاهش پیدا کند.

نتیجه‌گیری

ضرورت اصلاح ساختار اقتصادی در جهت پیشگیری از وقوع جرائم پولی، باید در سیاستگذاری‌های اقتصادی متولیان سیاست کیفری مدنظر قرار گیرد. همچنین، با توجه به عدم بازدارندگی بعضی قوانین در جرایم پولی، توجه و رعایت اصول اخلاقی موجب می شود تا فرد بزه‌کار، با سنجش سود و زیان و نتایج اخلاقی حاصل از ارتکاب جرم، تمایل به ارتکاب جرم نداشته باشد؛ گرچه استفاده از مجازات‌های مالی، متناسب با عواید مالی آن جرم، می‌تواند گزینه‌ای مناسب قلمداد گردد؛ ولی نتایجی همچون آشفتگی بازار پول، افزایش نقدینگی و تورم، ورشکستگی، به خطر افتادن امنیت سپرده‌های مردمی، اتلاف و به یغما رفتن سپرده‌ها و در نهایت اخلال در نظام اقتصادی کشور را در پی خواهد داشت. لذا در بحث تقارن و رعایت میان حقوق و اخلاق، همواره لازم است یک قرابت و فاصله ای نسبی به صورت عمومی و خصوصی، فاصله میان این دو را پر کند.

آنچه به عنوان نتایج این تحقیق می توان نتیجه گرفت و عنوان کرد به شرح ذیل است:

۱- در کنار ضرورت هایی که مقنن را به وضع قوانین مورد نیاز اجتماع وا می‌دارد، باید پذیرفت که بسیاری دیگر از قوانین وضع شده برای جلو گیری از گسترش رفتارهای غیراخلاقی است. در مورد مفهوم پدیده‌ی مجرمانه و نسبت آن با اخلاق می توان گفت هرچند رایج‌ترین تعریف از جرم، در نسبت به کنش‌های مخالف نظم اجتماعی انجام می شود اما با نگاه دقیق‌تری می توان گفت همین مفهوم نظم اجتماعی بی‌تردید بدون توجه به گرایش‌ها ی اخلاقی یک جامعه قابل اشاره نیست.

۲- در مورد رابطه ی حقوق و اخلاق نتیجه میتوان گرفت که انجایی که از عرف و مذهب به عنوان منابع حقوق صحبت به میان می‌آید از آن جهت که این دو خود آمیخته با اخلاقیات است، می توان از رابطه ی حقوق و اخلاق سخن گفت و همچنین است آنجا که قواعد حقوقی صرفاً از منابع مقدس و کتب و گزاره‌های دینی استخراج می شوند.

۳ـ قانون گذار ایران به حرمت های مذهبی و اخلاقی جرم ها بر ضد حیثیت و شرافت انسانی توجه دارد. در حقوق کیفری جمهوری اسلامی ایران بیشتر جرم هایی که در حوزه‌ی حدود، قصاص، دیات توسط قانون گذار از فقه جزایی امامیه گرفته شده و جرم انگاری شده است درجهت واکنش به رفتارهایی می باشد که اخلاقاً ناپسند است. از این رو انجام اعمالی که در فقه گناه محسوب می شود در حقیقت رفتارهای خلاف عفت و اخلاق حسنه ای است که جامعه نیز آنها را نمی پسندد و از اینرو قانون گذار که هدفش حمایت از ارزش ها ی اخلاقی و حفظ نظم و امنیت جامعه است جرم های موجود در حوزه های حدود، دیات و قصاص را که نمونه ی بارز و روشنی از رفتارهای خلاف اخلاق حسنه بوده و شارع مقدس نیز از آنها با عنوان گناه کبیره و جرم یاد کرده، جرم انگاری کرده است.

۴- جرائم اقتصادی دو جنبه ی غیرقابل انکار دارند. یکی اینکه این رفتارهای مجرمانه نظم عمومی را مخدوش می کنند و دوم اینکه رفتاری خلاف عفت و اخلاق عمومی در جامعه به وقوع پیوسته است. ابتدا شاید بتوان ادعا کرد که جرم قلمداد کر دن رفتارها ی مجرمانه به دلیل مغایرت آنها با ارزش ها و آرمان های شناخته شده ی اخلاقی و مورد قبول اجتماع نیست؛ بلکه صرفاً به دلیل حمایت از نظم عمومی جرم انگاری شده اند، اما باید گفت که در میان فلاسفه‌ی حقوق، هستند کسانی که پیرو «نظریه ی شخصی در نظم عمومی » هستند. این نظریه به معنای وحدت اخلاق و نظم عمومی است. حتی اگر به وحدت نظم عمومی و اخلاق باور نداریم اما بدون تردید نمی توانیم به وابستگی شدید حقوق کیفری و اخلاقی بی توجه باشیم . با این وجود می بینیم که بسیاری از جرم ها در حوزه ی تعزیرات و مجازات های بازدارنده ریشه در تجاوز به اخلاق دارند و قانون گذار ایران در هنگام جرم انگاری رفتارها به ارزش های اخلاقی مورد قبول و شناخته شده‌ی اجتماع توجه داشته است.

۵ — مهم ترین نتیجه ای که از این تحقیق می توان گرفت این است که؛ در بحث تقارن یا فاصله ی میان حقوق و اخلاق، همواره لازم است یک قرابت و فاصله ای نسبی به صورت عمومی و خصوصی، وجه میان این دو وجود داشته باشد. از نظر حقوقی تعدی و تفریط بین این دو نه تنها سودی ندارد بلکه ضررهای آن به مراتب بیشتر خواهد بود. با بررسی قانون مجازات اسلامی به این نتیجه می رسیم که قانون گذار جمهوری اسلامی ایران در قانون مجازات اسلامی پا را از حد فراتر گذاشته و یک حمایت حداکثری و افراط گونه از اخلاق به عمل آورده است که نمونه های متعدد آن را می توان در جرم های مندرج به وفور مشاهده کرد که این خود باعث تورم کیفری در قانون مجازات اسلامی شده است.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

در این پژوهش بین نویسندگان، هیچگونه تضاد منافعی وجود ندارد.

بنابر اظهارات نویسندگان، این مقاله حامی مالی ندارد.

واژه نامه

1. Economy	اقتصاد
2. Monetary crimes	جرایم پولی
3. Criminal laws	قوانین کیفری
4. Economic corruption	مفاسد اقتصادی
5. Ethics	اخلاق
6. Ethical codes	کدهای اخلاقی
7. Illegal facilities	تسهیلات غیرقانونی
8. Private interests	منافع خصوصی
9. Collective interests	منافع جمعی
10. Penal policy	سیاست کیفری
11. Judicial actions	اقدامات قضایی
12. Professional competence	صلاحیت حرفه ای
13. Economic disruptors	اخلال گران اقتصادی
14. Money laundering	پولشویی
15. Financing terrorism	تامین مالی تروریسم

References

1. Saki M. Economic criminal law. 1st ed. Iran/Tehran: Jangal Publication. 2010. (In Persian).
2. Sadi M, Mohammadi Moghadam Y, Abbaspoor J, Abbaspoor H. Examining the obstacles of electronic banking in Iran with a meta-analytical approach. Smart Business Management Studies, 2018; 7(26): 137-160. (In Persian). Doi: 10.22054/ims.2019.9722
3. Tazhibi F. In pursuit of dirty money. Bank and Economy; 24: 1-12. 2002. (In Persian).
4. Matin A. Jurisprudence collection. 1st ed. Iran/Tehran: Raham Publication. 2001. (In Persian).
5. Shams Natari M, Tavasolizadeh T. Situational prevention from economic crimes. *Law Quarterly, 2011*; *41*(4): 199-217. (In Persian). Dor: 20.1001.1.25885618.1390.41.4.11.5
6. Mostafapoor M. Investigating economic crimes in Iran and ways to prevent them. Economic Journal, 2016; 16(1): 1-6. (In Persian).
7. Afarasiabi S, Khoeini G, Mojtahed Soleimani A. Legal and Ethical Principles of Criminalization in Iran's Criminal Law. Ethics in Science and Technology, 2020; 14 (4) :1-6. (In Persian). Dor: 20.1001.1.22517634.1398.14.4.1.6
8. Beigi H, Beigi J, Ahadi F. Banking crimes strategy in monetary & banking policies making. *Strategic Studies of public policy, 2021*; *11*(38): 60-83. (In Pesian).
9. Momeni H, Rouhalamini M, Saed MJ. Iran's criminal policy in economic crimes. *Strategic Studies of Jurisprudence and Law, 2022*; *4*(2): 109-127. dor: 20.1001.1.26767163.1401.4.2.7.5
10. Bavari A, Goldoost Joybari R, Gholami H. Pathology of Iran's criminal policy in the field of economic crimes. Journal of Law and Politics, 2020; 16(1): 11-32. (In Persian).
11. Farajiha M, MOghadasi M. Populist criminal responses to economic corruption: Encyclopedia of criminal sciences. 1st ed. Iran/Tehran: Mizan Publication. 2013. (In Persian).
12. Kianpoor S, Azimi S, Fatahi S, Soheili K. The relationship between moral corruption and economic development. Ethics in Science and Technology, 2021; 15 (4) :104-112. (In Persian). Dor: 20.1001.1.22517634.1399.15.4.15.7
13. Kianpoor S, Azimi S, Tavalaei R. Relationship between property rights and moral hazard. Ethics in Science and Technology, 2019; 13 (4) :22-29. (In Persian). Dor: 20.1001.1.22517634.1397.13.4.5.3
14. Abdolinasab E, Niazpoor A, Sayebani A. Criminal and ethical policy of the state penitentiary organization in relation to economic violations. Ethics in Science and Technology, 2021; 16:23-29. (In Persian).
15. Ardebili M. General criminal law. 1st ed. Iran/Tehran: Mizan Publication. 2003. (In Persian).
16. Haji Dehabadi A. The rules of criminal jurisprudence. 2nd ed. Iran/Qom: Publications of the Research Center of the Hawzeh and University. 2010. (In Persian).